

نقش ژئوپلیتیک جریان‌های فکری خاص خاورمیانه در امنیت منطقه‌ای

کیومرث یزدان پناه درو^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

رضا دولتی

کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

سعید براهوئی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۱ تاریخ صدور پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۲۲

چکیده

سابقه‌ی گروه‌های سیاسی و احزاب سیاسی در جهان اسلام، به‌خصوص در منطقه‌ی خاورمیانه، ریشه در اندیشه‌های اسلامی و تعلقات این اندیشه‌ها در چند صدسال اخیر دارد به طوری که پس از دوره‌ی عثمانی شاهد تبدیل این اندیشه‌ها و دگرگونی‌شان در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی هستیم. مهم‌ترین بخش تحولات خاورمیانه در جهان اسلام رخ می‌دهد، جهان اسلام در عمل مناطقی از شمال آفریقا تا خاورمیانه و آسیای مرکزی را شامل می‌شود که کشورهای اسلامی هستند، کشورهای اسلامی موجود در منطقه خاورمیانه در قبل از قرارداد سایکس-پیکو و پایان جنگ جهانی اول در ۱۹۱۸ تا قرارداد لوزان در ۱۹۲۱، عملاً بخشی جداناپذیری از امپراتوری عثمانی بودند. ولیکن با ورود اندیشه‌های ناسیونالیستی و مفاهیم جدید از جمله دولت-ملت، کشور، حزب و... روندی جدید در تکامل فکری مسلمانان شکل گرفت. روشنفکران اسلامی و گروه‌های فکری ناسیونالیستی موجود در خاورمیانه با اینکه شکل‌گیری‌شان از هر دو نظر عقیدتی و سازمان‌دهی وابسته به غرب بود ولیکن این رخ دادها باعث شد برای اولین بار جهان غرب متوجه شود که جهان اسلام چیزی فراتر از امپراتوری عثمانی است. در ادامه شکل‌گیری اخوان المسلمین در مصر و گروه‌های اسلامی در ترکیه، عربستان و ایران نشان داد که جهان اسلام موجود در منطقه خاورمیانه در حال دگرگونی است. از این روی در این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و شبه دلفی به تبیین تکامل ساختاری و کارکردی جریان‌های فکری و سیاسی منطقه و آسیب‌شناسی در قالب یک مدل مفهومی رسیده تا تصویری از عملکرد ژئوپلیتیک این احزاب و جریان‌های فکری در آینده امنیت منطقه‌ای ارائه شود.

کلمات کلیدی: امنیت، احزاب سیاسی، خاورمیانه، ژئوپلیتیک، جهان اسلام.

مقدمه

حزب در سیاست، سازمانی سیاسی که به دنبال تأثیرگذاری در حکومت است، این تأثیرگذاری معمولاً از طریق نامزد کردن کسانی با دیدگاه‌هایی همسو با حزب برای کسب مسئولیت‌ها و مناصب سیاسی صورت می‌پذیرد. سابقه‌ی گروه‌های سیاسی و احزاب سیاسی در جهان اسلام به‌خصوص در منطقه‌ی خاورمیانه ریشه در اندیشه‌های اسلامی و شاخه‌هایی دارد که در درصدها سال اخیر به‌خصوص تبدیل این اندیشه‌ها و متبلور شدنشان در قالب احزاب جدید سیاسی، بوده است. جهان اسلام، منطقه‌ای مشتمل بر مجموعه فضای پیوسته از کشور مغرب در افریقای شمالی تا شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی و از قزاقستان تا مشرق افریقا و چند قسمت ناپیوسته در جنوب و جنوب شرقی آسیا و اروپا و حوزه‌های کوچک مسلمان‌نشین جهان است. این مقاله درباره این حوزه فرهنگ و تمدنی که شامل چهار قسمت واژه‌شناسی؛ حدود و وسعت از آغاز تا دوره معاصر؛ ویژگی‌های طبیعی (چهره طبیعی، آب‌وهوا و طبقه‌بندی اقلیمی و پیامدهای ویژگی‌های طبیعی)؛ ویژگی‌های انسانی - اقتصادی (جمعیت و خصوصیات آن، نژاد و زبان، ترکیب مذهبی، توزیع جمعیت شهری روستایی، اقتصاد و توسعه انسانی) است. کشورهای اسلامی واقع در جهان اسلام، در خاورمیانه^۱ عملاً قبل از قرارداد سایکس-پیکو^۲ ۱۹۱۶ و پایان جنگ جهانی اول در ۱۹۱۸ تا قرارداد لوزان^۳ در ۱۹۲۱ عملاً بخشی جدایی‌ناپذیر از امپراتوری عثمانی بودند و در عمل چیزی به‌عنوان حزب در منطقه به‌غیراز اندیشه‌هایی در قالب اندیشه اسلامی همان‌طور که در بالا اشاره شد، وجود نداشت. این توافق‌نامه به تقسیم سوریه، عراق، لبنان و فلسطین میان فرانسه و بریتانیا منجر شد. این مناطق قبل از آن تحت کنترل ترک‌های عثمانی بودند. خاورمیانه، در طی سه قرن گذشته، در اثر بحران‌های داخلی و خارجی، در بخش‌های مهمی از قلمرو خود لطمه دیده است. سقوط پی‌درپی امپراتوری عثمانی در رویارویی با اروپا ضرورت بررسی مجدد اندیشه‌ها و تفکرات اسلامی را مطرح ساخت. جامعه اسلامی یک پاسخ فرهنگی بومی به این شرایط داد که عبارت بود از «بازگشت به اسلام و اصول بنیادین آن» (دکمجیان، 21: 1390) و این باعث گردید، به‌مرور با ورود عرصه‌ی ناسیونالیسم به خاورمیانه و به‌خصوص پان‌عربیسم و ورود عناصر اروپایی به فرهنگ و سیاست جهان اسلام و خاورمیانه، مفاهیم جدید از جمله: دولت-ملت، ناسیونالیسم و قوم‌گرایی و همین‌طور مفاهیم جدیدی مثل حزب سیاسی، رسانه‌های جدید، پدیدار شدند و امپراتوری عثمانی را تضعیف تر از قبل کردند؛ به‌طوری‌که حرکت‌های جدایی‌طلبانه‌ی این اقوام در قرن نوزدهم یکی از اصلی‌ترین عوامل فروپاشی امپراتوری عثمانی بود (امامی خویی، ۵۷: ۱۳۹۶). بعدازاینکه وعده استقلال بعد از جنگ جهانی اول محقق نشد و قدرت‌های استعماری در دهه‌های ۱۹۳۰، ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ به اعمال نفوذ شدید بر جهان عرب ادامه دادند، محور سیاست در جهان عرب (شمال آفریقا و شرق دریای مدیترانه) تدریجاً از ایجاد نظام‌های حکومتی مشروطه لیبرال (نظیر آنچه مصر، سوریه و عراق در دهه‌های نخست قرن بیستم تجربه کردند) به سوی ملی‌گرایی تغییر جهت داد. هدف این نوع ملی‌گرایی بیرون راندن استعمارگران و نظام‌های حاکم متکی به آنان بود. این یکی از عوامل اصلی رشد حکومت‌های نظامی است که از دهه ۱۹۵۰ تا

^۱ Middle East

^۲ Sykes-Picot Agreement

^۳ Treaty of Lausanne

قیام‌های عربی سال ۲۰۱۱ بر بسیاری از کشورهای عربی حاکم بودند. خطوط مستقیمی که سایکس و پیکو ترسیم کردند در نیمه اول قرن بیستم برای بریتانیا و فرانسه بسیار مفید بودند، اما تأثیرشان در مردم منطقه کاملاً متفاوت بود. واکنش‌های مختلف فکری - سیاسی مسلمانان به دودسته و دو جریان عمده زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:

(۱) جریان پیروی از تمدن غرب، از غرب‌گرایی تا غرب‌زدگی^۱ (تجدد)؛

(۲) جریان احیا و بازسازی تفکر دینی، از بنیادگرایی تا رادیکالیسم اسلامی^۲ (اصلاح‌طلبی دینی).

جریان نخست، ریشه در تفکر جدید و اندیشه سیاسی اروپا دارد و غیردینی است، ولی جریان دوم ریشه در دین و تفکر دینی دارد (موثقی، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۳). اولین عناصری که در جهان اسلام به‌عنوان حزب تشکیل شد، عناصر ملی و ناسیونالیستی بودند که در قالب حزب ظهور کردند؛ این گروه‌هایی بودند که تشکیل آن‌ها به‌نوعی هم‌از‌نظر عقیدتی و هم‌از‌نظر سازمان‌دهی وابسته به غرب بود یعنی؛ جهان عرب برای اولین بار متوجه شد که دیگر معنی خاورمیانه فقط در قالب امپراتوری عثمانی^۳ نیست و به عبارتی متوجه شد که نه‌تنها جهان اسلام بلکه جهان شرق، چیزی فراتر از امپراتوری عثمانی است. درنهایت به این نتیجه رسیدند که کشورهای مستقلشان را در قالب قوم‌گرایی یا ملی‌گرایی عربی از امپراتوری عثمانی که کشتی در حال غرق و سقوط بود، نجات دهد و هرکس سرنوشت خودش را در پیش بگیرد؛ و این تحولات تأثیر مستقیمی بر امنیت منطقه و ایران گذاشت به‌طوری‌که مرزبندی‌های جدید ساختارهای امنیتی جدید را پدید آورد. روش اصلی این پژوهش، تحلیلی-توصیفی و بنا به سرشت متدولوژی آن بر پایه منابع دست اول مانند اسناد، نسخ خطی و منابع کتابخانه‌های گردآوری شده است. در مراحل اجرایی تحقیق با بهره‌گیری از روش قیاس در مقیاس بسیار وسیع سود خواهیم برد. بررسی، تجزیه و تحلیل اطلاعات، تهیه گزارش پایانی و نتیجه‌گیری. برای روایی و پایایی، ابتدا نظر اساتید و نخبگان درباره مولفه‌های منتخب گرفته شده و سپس تبدیل به پرسش‌نامه و نتایج توسط ضریب آلفای کرونباخ آزمون اماری شده و ضریب ۷۲۶/۰ (قابل قبول) بدست آمده است. نهایت تمام یافته‌ها تجزیه و تحلیل و تبدیل به مدل مفهومی شده است.

جدول شماره ۱: ضریب‌های آماری مربوط به پایایی پژوهش

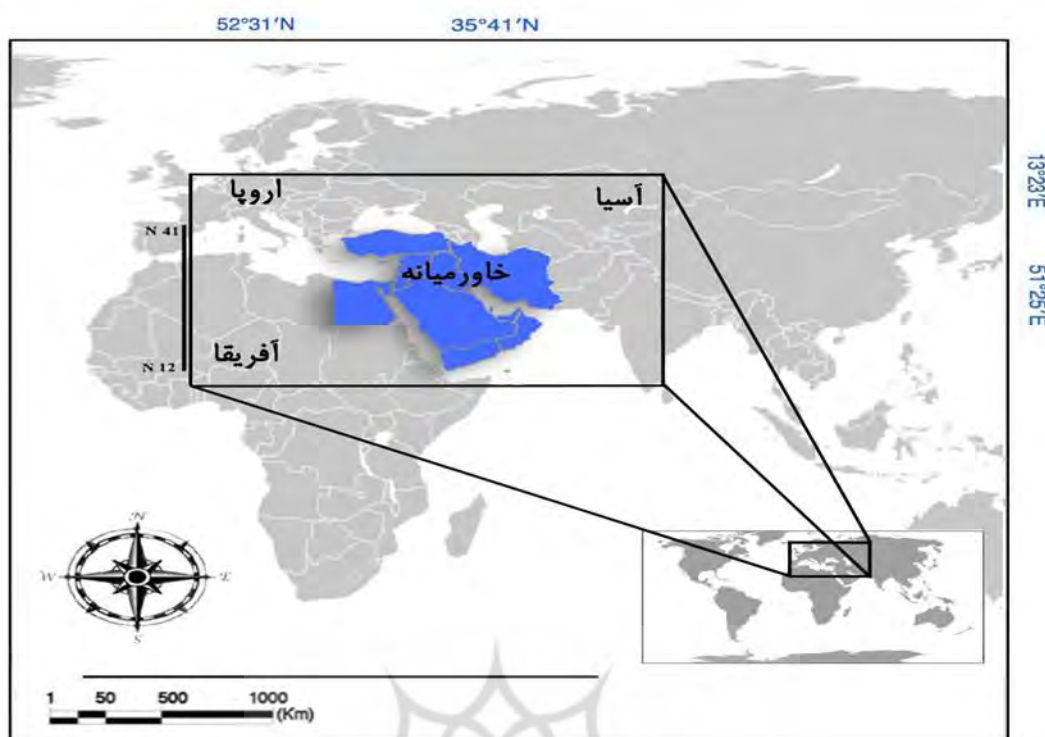
Cronbach's Alpha	0.716816314601633
Split-Half (odd-even) Correlation	0.723921182083777
Spearman-Brown Prophecy	0.839854152970895
Mean for Test	41.1
Standard Deviation for Test	7.48264659061217
KR21	3.03283053792073
KR20	3.04125736738703

منبع: یافته‌های پژوهش

¹ Westernization

² Islamic Radicalism

³ The Ottoman Empire



شکل شماره ۱: موقعیت محدوده مورد مطالعه

منبع: نگارندگان

«خاورمیانه» یک منطقه بین قاره‌ای است که به طور کلی شامل آسیای غربی و مصر و ترکیه و ایران است، این اصطلاح به عنوان جایگزین اصطلاح «خاور نزدیک» در اوایل قرن بیستم به کار گرفته شد، همانطور که در شکل شماره ۱ مشخص شده است، محدوده مورد مطالعه‌ی این تحقیق جریان‌ات فکری خاص خاورمیانه در امنیت کشورهای جهان اسلام واقع در منطقه‌ی خاورمیانه که در نتیجه‌ی فروپاشی امپراتوری عثمانی و در مجموعه قراردادهای ۱۹۱۸ و ۱۹۲۱ به دست استعمار انگلیس و فرانسه به وجود آمدند.

ژئوپلیتیک^۱

ژئوپلیتیک بامعنای بررسی رابطه بین سیاست و جغرافیا به دو قسمت عوامل ثابت و عوامل متغیر تقسیم می‌شود که هرکدام دارای زیر بخش‌های خود هستند. در ابتدای قرن بیستم هدف بیشتر کردن جنبه جغرافیایی ژئوپلیتیک بعضی جغرافیدانان را بر آن داشت که به توسعه جغرافیای سیاسی که جنبه جغرافیایی و علمی بیشتری داشت همت گمارده و پایه آن را بر روی ویرانه‌های ژئوپلیتیک زمان جنگ بنیان‌گذاری نمایند. یک نظر اجمالی به گذشته ژئوپلیتیک ما را به این نتیجه می‌رساند که مطالعات ژئوپلیتیکی دارای دو جنبه مشخص بوده است: یکی جنبه محیطی تاریخی - دوم جنبه استراتژیکی (میرحیدر، ۱۳۸۹: ۶۴). پس از راتزل و هم‌زمان با کیلن نظریات جهانی ژئوپلیتیک توسط ژئوپلیتیسین‌های قهاری چون ماهان، مکیندر اسپایکمن و سورسکی انتشار یافت. این متفکرین بزرگ بر این باور بودند که برخلاف روابط موجود در درون کشورها، وجه مشخصه روابط بین‌الملل بیشتر منازعه تشکیل می‌دهد تا همکاری. به گمان آنان موجودیت دولت‌ها در گرو قدرتمندی خودشان یا وجود دولت‌هایی است که از آنها

^۱ Geopolitics

حمایت می‌کنند (دوئرتی و فالترزگراف، ۱۳۷۶: ۶۲). تعریف اصلی ژئوپلیتیک که مدتهاست بر آن حاکم است، بیان می‌کند مفهومی است که سیاست دولت را از طریق شرایط جغرافیایی، موقعیت جغرافیایی و تفاوت‌های نژادی، قدرت را در ارتباط با سیاست‌های حاکم بر کشور تبیین می‌کند.

امنیت^۱

امنیت در فرهنگ فارسی معین «در امان بودن»^۲ بیان شده است، امنیت به عنوان یک شبکه محافظت در برابر هجوم تلقی می‌شود و از توانایی‌های فناوری و نظامی در مواقع درگیری استفاده می‌کند. به معنای عام، امنیت را می‌توان یقین به وجود و بقا، تملک و همچنین عملکرد و پیشرفت یک نهاد تعریف کرد. در واقع امنیت به معنای رفع خطرات موجود و احتمالی، همچنین به معنای استفاده بهینه از فرصت‌های موجود؛ بنابراین می‌توان گفت که امنیت دارای دو عنصر اصلی تهدید و فرصت می‌باشد و برقراری امنیت وابسته به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها می‌باشد. مفهوم امنیت ملی که توسط مکتب رئالیسم سیاسی به تجزیه و تحلیل علمی معرفی شده است. امنیت دو بعد عینی^۳ و ذهنی^۴ دارد برای تأمین امنیت باید هر دو بعد آن را محقق ساخت. نبودن بیماری‌های واگیر، پایین بودن آمار جرائم و مجرمان و وجود مطبوعات و رسانه‌های آزاد و مانند آن، بعد عینی امنیت است. بعد دیگر امنیت، نمود ذهنی آن است، که چه بسا به دلیل آن که کمی نیست و معیارهای سنجش قابل اعتماد برای آن وجود ندارد، کمتر به آن توجه می‌کنند. این بعد، «احساس امنیت»^۵ را شکل می‌دهد که به دلیل تفاوت افراد در ابعاد روحی و روانی این احساس در افراد مختلف، متغیر و متفاوت است (علیزاده و کاویانی، ۱۳۹۱: ۲۵۷).



شکل شماره ۴: احزاب سیاسی و جریان‌های فکری در منطقه خاورمیانه
منبع: نگارندگان

اندیشه‌های جدید^۶

اوایل دهه‌ی ۲۰ یا تا اواخرش هم‌زمان شد با ظهور دو اندیشه که اولین این اندیشه‌ها در قالب پان‌عربیسم بیان شد و

^۱ Security

^۲ being safe

^۳ Objective

^۴ Subjective

^۵ Sense of Security

^۶ New Thoughts

در مقابلش ظهور اندیشه‌ی مذهبی، اخوان المسلمین بود به عبارتی در مقابل موج ناسیونالیستی سکولاری که در جهان عرب به وجود آمده بود و نویسندگان و اندیشمندان مختلفی از آن حمایت می‌کردند، موج جدیدی هم از طرف اسلام‌گراها که حس می‌کردند جامعه‌ی عربی-اسلامی خاورمیانه جامعه‌ی سرخورده است و به دنبال احیای خلافت اسلامی موجود در دوره‌های گذشته قبل عثمانی مثل عباسیان و امویان و اما تفاوت فاحششان با اندیشه‌های پان‌عربیسیم در راه حل دانستن اسلام، با شعار «اسلام هو الحل» بود، در اندیشه آنان هم پیش فرض «الاسلام هو الحل» برای اسلام‌گرایان رادیکال اشاره می‌شود (نبوی، ۱۳۸۹: ۲۷۷). یکی از این گروه‌ها که از دیرینه تاریخ هم با حکومت علوی سوریه اختلاف‌هایی داشته، جنبش اخوان المسلمین این کشور است که مهم‌ترین این گروه‌ها به حساب می‌آید که اولین پایه‌گذار گروه‌های اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه در قرن جدید با بنیان‌گذارانش از جمله سید قدس، حسن البنا که از پدران ایدئولوژیکی‌اش بودند. هم‌زمان با این تحولات اندیشه‌ی قوم‌گرایی عرب شروع به شدت گرفتن کرد، به‌خصوص در غرب مدیترانه از جمله: مناطق سوریه، لبنان و عراق بسیار بیشتر بود تا در سایر سرزمین‌های عربی و اسلامی (یدالله و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۷-۱۵۸) این اندیشه ناسیونالیسم^۱ در قالب اندیشه بعث تشکیل شد که از مهم‌ترین احزاب جهان عرب و جهان اسلام بود و بنیان‌گذارش یک مسیحی سوری به اسم میشل عفلق بود که در رابطه با اتحاد کشورهای عربی و تشکیل یک قدرت بزرگ منطقه‌ای، نظریه پرداخته است. میشل عفلق در سال ۱۹۴۷ با کمک «صلاح‌الدین البیطار»^۲ حزب پان‌عربی و سوسیالیستی بعث تأسیس کرد. در تاریخ معاصر احزاب سیاسی خاورمیانه یکی از مهم‌ترین دلایل طرح اتحاد اسلامی در قالب پان‌اسلامیسم، به تلاش متفکران مسلمان به اتحاد اسلام در مقابله به تهاجم غرب بازمی‌گردد؛ باید اشاره کرد که همه جنبش‌های اسلامی خواستار ایجاد جوامع بر اساس اخلاق و شرع اسلامی هستند، اما باوجود این، اسلام‌گرایان درباره ویژگی‌های حکومت اسلامی، چگونگی اداره آن و اینکه چه کسی آن را اداره کند و به چه وسیله‌ای باید آن را مستقر کرد، اختلاف نظر دارند (هانتر، ۱۳۸۰: ۱۶۱). در همین بین بود که اولین شکاف بین بعث‌هایی که خواهان اتحاد بودند ولی اندیشه‌های سکولار و قوم‌گرا داشتند با اخوان المسلمین که با شعار «اسلام هو الحل» یعنی اسلام راه‌حل است، پیشامد. در ادامه‌ی این روند کم‌کم اختلافات بین خود بعث نیز شکل گرفت و حزب بعث به دو جناح حزب بعث عراق و حزب بعث سوریه تبدیل شد. با توجه به جو جامعه در جهان اسلام در آن زمان و شرایط حاکم، گروه‌های اسلامی نتوانستند طرفدار پیدا کنند به‌خصوص گروه‌های قومی و در همین مسیر کم‌کم گروه‌ها و احزاب و جریان‌های سیاسی دیگری هم وارد عرصه رقابت شدند از جمله احزاب کمونیستی و ناسیونالیستی و اسلامی دیگری بودند اما در کل نتوانستند همانند دو حزب مطرح اخوان المسلمین و بعث جایگاه پیدا کنند و نهایتاً حزب بعث جناح سوریه در سال ۱۹۶۴ در سوریه دست به ملی کردن بسیاری از مؤسسات و کارخانه‌ها زد و با اخوان المسلمین درگیر شد و همچنین شاخه عراقی حزب بعث در سال ۱۹۶۸ با سرنگون کردن حکومت سوسیالیستی عبدالرحمن عارف به قدرت رسید (Niva, ۱۹۹۹: ۱۴).

^۱ Nationalism

^۲ Salah al-Din al-Bitar

بعث^۱

هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی دوم و افزایش ایده‌های نازیسم در اروپا که مخالف انگلیس و فرانسه بود و با این کشورها درگیر شد، همان‌طور که اشاره شد در خاورمیانه حکومت‌ها به طریقی با این دو کشور انگلستان و فرانسه در ارتباط بودند و همین باعث شد که گروه‌های مختلف نازیسم در خاورمیانه شروع و رشد پیدا کردند. از مهم‌ترین این گروه‌ها که جهان اسلام را از نظر تبلیغاتی و طرفداری به سمت حزب نازی و هیتلر می‌برد بعث بود چراکه انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و یهودیان، در جبهه مقابل بودند به همین دلیل گروه‌های اسلامی و عربی تندرو که با حضور غرب در قالب مؤلفه‌های یهودیت و مسیحیت و... در منطقه مخالف و درگیر مبارزه بودند و این باعث شد که یک نازی را به‌عنوان متحد دیدند و شروع کردند به نفوذ در کشورها مثل حکومت رشید عالی گیلانی^۲ در عراق که توانست نخست‌وزیری را با یک‌شبه کودتا به دست بگیرد که نهایتاً به پشتیبانی انگلیسی‌ها سقوط کرد (Laqueur, 1958: 181-190) و یا مثال دیگر گروه‌های فلسطینی مثل حاج امین الحسینی^۳ (مفتی مسجدالاقصی) و اخوان المسلمین که شروع به نزدیک شدن به هر آنچه مخالف انگلیس و فرانسه بود، کردند که مشخصاً نازی‌ها در صدر این مخالفان جایگاه ویژه‌ای یافتند؛ و اندیشه نازیسم شروع به رشد کرد ولی با شکست آلمان نازی این اندیشه‌ها خاتمه یافتند. به‌طوری‌که در سال ۱۹۳۶ به آلمان نازی گریخت و به عضویت در حزب نازی درآمد. با شکست آلمان نازی^۴ و از بین رفتن نازیسم در خاورمیانه، همه‌چیز تمام نشد بلکه قوم‌گرایی^۵ به‌عنوان یک عامل اصلی تشکیل احزاب در خاورمیانه و جهان اسلام باقی می‌ماند، اصطلاح قوم‌گرایی را ویلیام سامنر، جامعه‌شناس آمریکایی، وارد علوم اجتماعی کرد. او در کتاب رفتارهای سنتی توده خود در سال ۱۹۰۶ قوم‌گرایی را چنین تعریف می‌کند: ارزش‌ها و موازین فرهنگ خود را محور قضاوت در مورد دیگران قرار دادن، در این تعریف این منظور نیز نهفته بود: فرهنگ خود را برتر از همه فرهنگ‌های دیگر دانستن (ماتیل، ۱۳۸۳: ۱۲۸۳) برای مثال در ایران حکومت پهلوی احزابی که مخالف حکومت پهلوی بودند بیشتر احزاب چپ و مخالف سیاست‌های پهلوی در زمینه‌ی کشوری و اسلامی بودند و ناسیونالیست‌ها کمتر در زمره‌ی مخالفان اقدامات پهلوی بودند و اکثراً جو ناسیونالیستی طرفدار حکومت بود و جو مخالف بیشتر احزاب چپ بودند، احزاب چپ اکثراً از سمت شوروی سابق حمایت و پشتیبانی می‌شدند و این حمایت شوروی در دهه‌ی ۵۰ خورشیدی بیشتر شد به خاطر طرح شوروی در سقوط حکومت‌های سنتی اکثراً به‌واسطه‌ی کودتاهای پی‌درپی و برای به وجود آوردن حکومت‌های به‌ظاهر ملی‌گرا که در واقع در راستای منافع شوروی کار می‌کردند برای مثال دولت عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۹ اعلام کرد که از پیمان سنتو خارج می‌شود. علاوه بر آن، قرارداد خرید اسلحه از شوروی هم امضا کرد. حتی قبل‌تر نیز کودتای قاسم موجب خشنودی مسکو و قاهره و نگرانی تهران و واشینگتن و لندن شد. از مهم‌ترین موضوعات روابط خارجی ایران در این دوره می‌توان به کودتای عبدالکریم قاسم در عراق و اثرات آن بر روند مناسبات خارجی ایران، قرارداد دوستی و عدم تجاوز ایران و

^۱ Ba'athist

^۲ Rashid Ali al-Gaylani

^۳ Amin al-Husseini

^۴ Nazi Germany

^۵ racist

شوروی، موافقت‌نامه دفاعی ایران و آمریکا و واکنش دولت شوروی نسبت به آن، آغاز دوران ریاست جمهوری کندی در آمریکا و تأثیر آن بر روند روابط خارجی ایران و قطع رابطه سیاسی ایران و مصر و پیامدهای ناشی از آن اشاره کرد. (دهقان نژاد و همکاران، ۱۳۹۰)، همچنین از کودتای افسران مصر علیه حکومت پادشاهی مصر تا کودتای افسران در عراق و لیبی و؛ که به اسم تشکیل غیر متعهدها ولی در عمل طرفدار منافع شوروی بودند. به طوری که با پایان جنگ سرد و فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم کشورهای عضو جنبش عدم تعهد دچار نوعی بی‌هویتی شده و دلیل وجود این جنبش که ایجاد موازنه منفی بین دو ابرقدرت دوران جنگ سرد بود از بین رفته است. عده‌ای را فرض بر این است که جنبش عدم تعهد وارث موازین ضدآمریکایی یا همان ضد امپریالیستی است. این طرح در ایران شکست می‌خورد و همین‌طور در کشورهای خلیج فارس، نیز با شکست مواجه می‌شود ولی در کشورهای عراق و سوریه و مصر موفق می‌شود که نتیجه‌اش قدرت گرفتن و نفوذ چپ‌ها با دیدگاه قوم‌گرایی در جهان اسلام و جهان عرب می‌شود، این تحولات خود زمینه‌ساز ظهور احزاب جدید مثل ظهور جمال عبدالناصر^۱ در مصر شد. نهایتاً میشل عفلق در سال ۱۹۶۸، به اولین هدف استراتژیک خود رسید و حزب بعث در این سال در عراق تأسیس شد یعنی همان سالی که رژیم غاصب اسرائیل پایه‌گذاری شد (گلی زواره، ۱۳۹۳: ۵۴). ظهور ناصر در مصر آغازگر یک شکاف در بین قوم‌گراها می‌شود، یعنی؛ قوم‌گرایی از انحصار فردی حزب بعث خارج می‌شود و جریانی به اسم جریان ناصریسم به وجود می‌آورد، ناصر گرای (به عربی: التیار الناصری) یک ایدئولوژی ملی‌گرایانه سوسیالیستی عربی بود که در سایه دولت جمال عبد الناصر (رئیس‌جمهور مصر از ۱۹۵۲م تا ۱۹۷۰م) به راه افتاد و پس از مرگ وی نیز ادامه یافت. اسم این حرکت از نام عبدالناصر گرفته شده است و از شعارهای ناصر الهام گرفته است که آزادی، سوسیالیسم و یگانگی سرزمین‌های عرب است. این عوامل باعث شد، بعث را که ناسیونال سوسیالیسم و به نازیسم عربی معروف بوده، تبدیل شود به ناصریسم یا همان ملی‌گرای سوسیالیست که این تحولات خود آغازگر اختلاف بین جهان عرب و عواقبش شکل‌گیری کودتاهای پی‌درپی در عراق و سوریه که نشأت گرفته از اختلاف بین این گروه‌ها بود و هر سال روی کار می‌آمدند و توسط دیگری سرنگون می‌شدند که این خود باعث بی‌ثباتی در این کشورها به خصوص در عراق و سوریه بود و فرایندها و بی‌ثباتی‌ها تا ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۰ که حزب بعث در عراق توانست ناصری‌ها را کنار زده و حزب بعث در سوریه هم به همان شکل عمل کرد ولی علاوه بر زمینه‌ی قدرت و مسئله‌ی ایدئولوژی، همواره بر سر رهبری، بین این دو حزب اختلاف رقابتی وجود داشت. هدف جنبش آزادی‌بخش عربی مبارزه با امپریالیسم، اعتراض به طبقات مسلط و مبارزه برای عدالت اجتماعی است (John, 1975: 32).

جدول شماره ۲: اهداف حزب بعث

۱.	میهن عربی واحد سیاسی و اقتصادی تجزیه‌ناپذیری است.
۲.	ملت عرب یک واحد فرهنگی است و تمام اختلافات آن با بیداری اعراب از بین خواهد رفت.
۳.	میهن عربی از آن اعراب است و فقط آنان حق دارند امور اعراب را اداره کنند، از ثروت‌های آن بهره ببرند و سرنوشت آن را به‌دست گیرند.

منبع: سعیدی ۱۳۷۴: ۱۵

^۱ Gamal Abdel Nasser

انصار الله یمن^۱

جنبش انصار الله که به جریان حوثی نیز معروف است و پیش‌تر شباب‌المؤمن نام داشت، جریانی سیاسی و نظامی از شیعیان زیدی یمن است. یمن بعد از فروپاشی عثمانی به دو منطقه شمالی و جنوبی تقسیم شد که بعدها به اتحاد رسیدند و کشور یمن متحد ایجاد شد. البته این اتحاد در ساختار جغرافیایی روی داد. ولی در ساختار حکومتی و سیاسی پیوسته میان شیعیان شمال و سنی‌های جنوب بر سر حکومت و نوع آن اختلاف بوده است. دو مذهب شیعی زیدی و مذهب اهل سنت عامل هویتی و مذهبی این کشور را تشکیل داده است و بسیاری از جنگ‌ها و درگیری‌ها بین این دو گروه بر سر قدرت بوده است. در این میان پذیرش و قبول ایدئولوژی و تفکرات انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان انقلاب مذهبی - سیاسی و نقش کاریزماتیک^۲ امام خمینی (ره) بر رهبران گروه‌های شیعی مخصوصاً جنبش انصار الله قابل بررسی است؛ که در ادامه به آن پرداخته می‌شود (موسوی و باقری فرد، ۱۳۹۴: ۲۰۷-۲۲۹). برای فهم بهتر موضوع و دستیابی به اطلاعات اولیه، به ساختار جغرافیایی و سیاسی کشور یمن می‌پردازیم. یمن کشوری عربی در جنوب غربی آسیا و در جنوب شبه‌جزیره عربستان واقع در خاورمیانه و پایتخت آن شهر صنعا است. یمن دارای دو ساحل مهم است، ساحلی غربی در کرانه دریای سرخ و ساحلی جنوبی در کرانه دریای عرب، همچنین دارای چند جزیره است که مهم‌ترین آن‌ها جزیره سقطره در دریای عرب و جزیره حیش در دریای سرخ است. یمن تا قبل از سال ۱۹۹۰ میلادی در کشور هم‌جوار به نام‌های: جمهوری عربی یمن (یمن شمالی دارای مناطق کوهستانی و صعب‌العبور) و جمهوری دموکراتیک یمن (یمن جنوبی منطقه‌ای هموار) بوده است. در سال ۱۹۹۰ طی پیمانی این دو کشور باهم متحد شدند و جمهوری یمن به وجود آمد؛ اما در سال ۱۹۹۴ جنگ خونینی بین دو طرف رخ داد که سرانجام شمالی‌ها بر جنوبی‌ها چیره و اتحاد پابرجا ماند (همان، ۲۱۱). نام «حوثی»^۳ به رهبرشان حسین بدرالدین حوثی^۴ انتساب دارد که در سال ۲۰۰۴ م. توسط نیروهای ارتش یمن کشته شد (الجزیره). حوثی‌های یمن گروهی از شیعیان زیدی این کشور هستند. محل اصلی فعالیت آنان صعده است. آنان حکومت یمن را حکومتی وابسته به غرب می‌دانند و از سال ۲۰۰۳ میلادی دست به مخالفت با حکومت یمن زده‌اند. شعار اصلی آنان «الله‌اکبر، الموت لأمریکا، الموت لاسرائیل، اللعنه علی اليهود، النصر الاسلام» به معنی «مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، نفرین بر یهود و پیروز باد اسلام»^۵ است. این شعار را نخستین بار حسین الحوثی فرزند عالم زیدی مذهب بدرالدین الحوثی بر زبان آورد که البته ملهم از انقلاب اسلامی ایران بوده است (موسوی و باقری فرد، ۱۳۹۴: ۲۰۷-۲۲۹). با نگاهی به چگونگی زندگی شیعیان یمن، روشن می‌شود در زمان حکومت دولت یمن، شیعیان در محرومیت کامل فرهنگی بوده‌اند و نیز با دشواری‌ها و چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده‌اند؛ مانند نداشتن حق تأسیس مدارس دینی برای شیعیان: برخلاف کمبود منابع فرهنگی چون کتاب و دسترسی به روحانیون شیعه، تلاش‌های زیادی در تقویت پایه‌های مذهبی از جانب آنان انجام شده است؛ آزار و شکنجه و زندانی شدن شیعیان و علمای شیعی و جلوگیری از برگزاری

^۱ Houthi movement

^۲ Charismatic

^۳ Houthi

^۴ Hussein Badreddin al-Houthi

^۵ Down with America, over with Israel, curse on the Jews and victory over Islam

مراسم: مانند جشن در عید غدیر؛ ولی با تمام محدودیت‌ها، آنان مراسم مذهبی خود را به‌طور پنهانی برگزار می‌کنند، توهین به ارزش‌ها: مانند تخریب مساجد و به آتش کشیدن علنی و قانونی کتاب‌هایی مانند «نهج البلاغه»^۱ و «صحیفه سجاده»^۲ که با هماهنگی دولت یمن و وهابی‌های سعودی انجام می‌شود؛ دسترسی به رسانه‌ها: رادیو عربی جمهوری اسلامی ایران تنها رسانه در دسترس شیعیان یمن است (بارون، ۲۰۱۲). نقش عوامل مختلفی مانند قبیله و نوع برداشت از دین در کنار الگوبرداری از انقلاب‌های ایران و بهار عربی موجب بروز انقلاب در یمن گردید. البته در ریشه‌یابی این انقلاب عوامل داخلی و خارجی مختلفی نقش داشته‌اند؛ و هرکدام از این عوامل نقشی کم‌وزیاد داشته و انقلاب یمن را به این مرحله رسانده است (موسوی و باقری فرد، ۱۳۹۴: ۲۰۷-۲۲۹). علی عبدالله صالح^۳ رئیس‌جمهور سابق یمن چندی قبل از مرگش بایان اینکه ایران در یمن حضور ندارد، اعلام کرده بود: ایران ورود در ائتلاف راهبری یمن را باوجود درخواست من رد کرد (www.mehrnews.com/news/4157487).

اخوان المسلمین^۴

از احزاب دیگر جهان اسلام می‌توان به اردوگاه اسلامی اشاره کرد که این جنبش که در سال ۱۹۲۸ توسط حسن‌البننا شکل گرفت، اردوگاه اسلامی تا سال ۱۹۷۹ (۵۷ شمسی)، مصادف با انقلاب اسلامی در ایران، ضعیف و گروه‌های سیاسی و قدرت در دست قوم‌گراها بوده ولی بعد از ظهور آیت‌الله خمینی (ره) و بیان عقیده‌اش درباره انقلاب اسلامی ایران فرمودند: انقلاب ما منحصر به ایران نیست؛ انقلاب مردم ایران آغاز انقلاب بزرگ جهان اسلام است. (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۹۲) و همچنین قدرت‌گیری اسلام سیاسی؛ تحولی در تمام گروه‌های اسلام سیاسی در منطقه، خواه شیعه و خواه سنی رخ داده و به‌منزله‌ی بیداری برایشان به حساب آمد، به‌طوری‌که گروه‌های سنی برای این‌که نمی‌خواستند از این موج بیداری عقب بمانند شروع به حرکت در این مسیر کردند که این خود عاملی شد که موج بیداری اسلامی از مقیاس ایران به مقیاس منطقه و جهانی کشیده شود و طبیعتاً در مواردی هم خشونت بسیار زیادی رخ داد. حسن‌البننا^۵ تأکید می‌کرد که حکومت باید به تعالیم اسلام رجوع کند و آن‌ها را در جامعه به‌طور مسالمت‌آمیز اجرا کند و از افکار قدیم و جدید، شرقی و غربی تا حدی که با تعالیم اسلام منافات نداشته باشد استفاده کند (سلطانی فرد، ۱۳۸۶: ۹-۱۱) حسن‌البننا که این شعار و نقشه راه را برای اخوان تعریف کرده بود، در تبیین و معرفی آن، جماعتش را علاوه بر آنکه گروهی دینی (سلفی) می‌دانست، مجموعه‌ای سیاسی هم معرفی می‌کرد و از اینجاست که مجوز ورود به عرصه سیاسی را صادر کرد و به‌سرعت هم توانست نقش سیاسی خود را در موضع‌گیری در قبال تحولات جهان اسلام و جهان عرب ایفا کند، وی هدف اصلی خود را انجام اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه مصر و جهان اسلام معرفی نمود و بر سازندگی فرد، خانواده مسلمان، جامعه مسلمان و نهایتاً حکومت اسلامی بر اساس تمدن اسلامی تأکید می‌نمود (واعظی، ۱۳۹۳: ۷-۳۶۱) ولی در عمل حکومت دست هیچ‌کدام یک از این گروه‌های سیاسی نبود بلکه حکومت‌هایی بودند مستقل یا نیمه‌مستقل که توسط فرانسه یا بریتانیا در این منطقه روی کار آمده بودند و حکومت می‌کردند. برای مثال: اخوان المسلمین در مصر بعد از

^۱ Nahj al-Balagha

^۲ Al-Sahifa al-Sajjadiyya

^۳ Ali Abdullah Saleh

^۴ Society of the Muslim Brothers

^۵ Hassan al-Banna

سال‌ها انزوا و بسته بودن فضای فعالیتشان توانستند دوباره روی کار بیایند و که حوادثی نظیر ترور محمد انور سادات^۱ رئیس‌جمهور مصر توسط با ترور سادات در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۰م توسط خالد استامبولی، از اعضای جهاد اسلامی؛ همچنین ظهور گروه‌های اسلامی در عراق و سوریه و فلسطین که در مورد فلسطین ظهور اندیشه‌های چپ و ملی که پایه و اساس مبارزات فلسطینی‌ها علیه اسرائیل بوده جایش را به گروه‌های اسلامی و دینی می‌دهد مثل حماس و جهاد اسلامی که قبلاً فاقد نقش مؤثری در مبارزان بودند. در نهایت پس از کودتای سال ۲۰۱۳ ارتش علیه دولت محمد مرسی و دستگیری تعداد زیادی از هواداران آن، حزب التجمع که یک حزب چپ‌گرای مصری است، دادخواست انحلال جماعت اخوان را به دادگاه برد و در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۳ دادگاه، اخوان‌المسلمین را ممنوع فعالیت و تمامی اموال آن را مصادره کرد. دادگاه قاهره پس از جلسه اعلام کرد که فعالیت اخوان المسلمین از این پس غیرقانونی است و تمام اموال آن به نفع دولت ضبط می‌شود در پی آن در سال ۲۰۱۴ دادگاهی در مصر برای محمد بدیع^۲ رهبر اخوان المسلمین و ۶۸۲ نفر دیگر از اعضا و هواداران اخوان در مصر حکم اعدام صادر کرد.

جدول شماره ۳: اصول دیدگاه‌های اخوان المسلمین

ردیف	اصول	تبیین
۱	اصل علمی	ارائه یک تفسیر دقیق از قرآن و دفاع از آن در برابر تفسیرهای نادرست
۲	اصل عملی	دعوت مصر و دولت‌های اسلامی براساس اصول قرآنی
۳	اصل اقتصادی	گسترش ثروت ملی و حفاظت از آن و بالابردن سطح زندگی مردم و تحقق عدالت
۴	اجتماعی نوع‌دوستانه	مبارزه با جهل، بیکاری و فقر
۵	ناسیونالیستی و میهن‌دوستانه	آزادسازی دره نیل و تمامی کشورهای عرب و در نهایت همه دنیای اسلام
۶	انسان‌گرایانه و جهانی	ترویج صلح جهانی و تمدن انسانی طبق بنیادهای جدید مادی و معنوی اسلام

منبع: آقایی و صفوی، ۱۳۶۵: ۱۵

حزب‌الله^۳ لبنان

حزب ا... در سال ۱۹۸۲ با الهام از ایدئولوژی اسلام و به پشتیبانی جمهوری اسلامی، در لبنان تشکیل شد که یکی دیگر از احزاب مهم جهان اسلام، است. حزب‌الله لبنان در ماه مه همان سال (اردیبهشت ۱۳۶۳) نام ثابتی را برای تشکیلات خود انتخاب کرد و شعار «حزب‌الله - انقلاب اسلامی در لبنان» را برگزید. در همین حال نیز «دفتر سیاسی^۴» حزب را راه‌اندازی و نشریه هفتگی العهد را منتشر کرد (فضل‌الله، ۱۳۷۳: ۳۵)؛ روند تشکیل این حزب به کمک شیعیان لبنان که سنتی‌ترین قشر لبنان بودند و در زمان حکومت پهلوی دوم اقدامات زیادی را ضد منافع اسرائیل و امریکا انجام می‌دادند و اقدام به تشکیل گروه‌های نظامی و شبه‌نظامی نمی‌کردند و عملکردشان مقطعی بود؛ اما پس از پیروزی انقلاب تبدیل شدند به اولین حزبی که دست به عملیات در مقیاس وسیع و قاطع انجام می‌دادند، شدند؛ و شروع به فعالیت کرده و پا به عرصه‌ی قدرت در لبنان نهادند که به‌عنوان اولین حزب اسلامی شد

^۱ Anwar Sadat

^۲ Mohammed Badie

^۳ Hezbollah

^۴ Political office

در جهان اسلام که توانست، دولت در دولت تشکیل دهد و به‌عنوان قوی‌تری حزب به خاطر داشتن منابع و کسب حمایت‌های مختلف مطرح شود. حزب‌الله پس از بلعبک در بیروت و سپس در جنوب حضور پیدا کرد، اما علی‌رغم صدور بیانیه‌ای با امضای حزب‌الله در سال ۱۹۸۴، همچنان این حزب تا اوایل سال ۱۹۸۵ به‌صورت کاملاً مخفیانه فعالیت می‌کرد (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۷۲). این حزب کاملاً ماهیت شیعی دارد و به همین دلیل نتوانست به حمایت اکثریت جهان اسلام دست پیدا کند ولی به خاطر وضعیت و موقعیتش مخصوصاً در مخالف با اسرائیل، توانسته است بر برخی از مخالفان چپ خود از جمله: حزب مروج نازیسم و نئونازی است، حزب سوری-قومی-اجتماعی، احزاب چپ لبنان و حزب بعث سوریه و.. غالب و یا نظرشان را جلب کند. در بیانیه حزب‌الله به ناعادلانه بودن حکومت مارونیها که هم‌پیمان و دست‌نشانده صهیونیست‌ها و استعمارگران هستند اشاره شده است (بی‌نا، ۱۳۷۸: ۴۰۰)، ولی در کل معروف به بزرگ‌ترین حزب عربی، به خاطر این‌که هم دارای نیروی نظامی بوده و سیستم مخابراتی جداگانه و منابع مالی مختلف و کنترل فرودگاه‌های کشور را بر عهده دارد و نیز این حزب دارای اهداف بسیار زیادی است که مهم‌ترین آن‌ها، تلاش این حزب برای ایجاد حکومتی مشابه حکومت جمهوری اسلامی و حفظ منافع شیعیان و جمهوری اسلامی در لبنان و منطقه که مورد بحث‌های فراوانی است. به دلیل اینکه هرچند انقلاب اسلامی خواستار وحدت همه مسلمانان جهان برای حمایت از مستضعفان و مبارزه با مستکبران بود، اما در عمل به علت برخوردهای شدیدی که بین سیاست خارجی ایران با کشورهای عرب ایجاد شد، جهت‌گیری آرمان‌های انقلاب اسلامی به سمت استقرار اسلام شیعی در جهان اسلام پیش رفت (تول، ۱۳۸۲: ۵۹).

جدول شماره ۴: اهداف حزب‌الله

ردیف	اصول	تبیین
۱	استقلال لبنان	تلاش برای آزاد سازی لبنان از نفوذ استعمارگران
۲	رهانی قدس شریف	این هدف را امام امت برای تمام مسلمانان جهان در مناسبت های گوناگون، مشخص نموده و آزادسازی قدس را از مهمترین مسائل اسلام و مسلمین شمردند
۳	پیاده کردن خط ولایت فقیه	سعی برای اقامت حکومتی اسلامی در لبنان که متعهد به خط ولی فقیه و تابع از اراده و اختیار ملت مسلمان باشد

منبع: نگارندگان

سلفی‌گرایی^۱

یکی از شاخه‌های اندیشه‌ی سیاسی در جهان اسلام همان سلفی‌گرایی است؛ سلفی‌گرایی از ریشه سلف به معنای ماقبل، به قبل؛ یعنی کسانی که خواهان بازگشت به قبل هستند، در فرهنگ لغت آکسفورد به معنی پیشگامان درستکار و عادل است؛ این شاخه که در حال حاضر نه به‌عنوان حزب ولی به‌عنوان یک جریان سیاسی مهم در جهان اسلام شمرده می‌شود و دارای شاخه‌ی نظامی و سازمانی و اندیشه‌های خاص خود است. تعریف دقیق سلفی‌گری کاری دشوار است. «سلفی‌گری^۲» نامی است که گروهی از اهل سنت به حرکتی اصلاحی برای بازگرداندن اسلام به اصل آن اطلاق می‌کنند. برای آنکه از خالص بودن اسلامشان مطمئن گردند، سلفی‌های معاصر بر معنی خاصی از توحید تأکید زیادی دارند که باعث می‌شود افراد بسیاری «نا معتقد» به آن تلقی گردند. آنان همچنین تعریف بسیار مفصلی

^۱ Salafism

^۲ Salafi movement

از بدعت دارند که باعث می‌شود اعمال دینی قابل قبول بسیار محدود شود. آنان به تأثیرات منابع دانش غیر از کتب مذهبی در کسب معلومات مذهبی بسیار با احتیاط می‌نگرند؛ و این تعریف مفصل برای برخی از شاخه‌های مذهبی جذابیت به وجود آورد؛ علت جذابیت برای برخی از اهل سنت آن بود که این مذهب به ظاهر با بدعت‌ها به مخالفت برخاسته بود (الامین، ۱۳۶۵: ۱۰ و بنا به نقل کشف الارتیاب، ص ۱۵، ۱۶ و ترجمه فارسی، ص ۹ و ۱۰). البته باید اشاره کرد که این جذابیت فقط برای تعریف بدعت خاص سلفی‌ها نبود بلکه قدرت هم در بیان‌های آن‌ها امری مؤثر بود چراکه احزاب سنی - اسلامی که نتوانسته بودند به صورت حزب قدرتمندی متبلور شوند، نسب به قبل تندروتر شدند؛ گروه‌های سلفی - حدیثی که مبارزه سیاسی و حتی فرهنگی برای کسب قدرت را صرفاً از طریق کاربرد خشونت و حربه تکفیر علیه مخالفان و براندازی خشن حکومت‌ها می‌دانند تا خلافت اسلامی را احیا و قانون شریعت را اجرا کنند، جریان «اسلام سیاسی افراطی» تعریف می‌شوند (ادمی، ۱۳۹۴: ۵۴). بی‌شک نکته‌ای که در آغاز راه مطالعه سلفیت و وهابیت توجه محققین را به خود جلب می‌کند، اعتقاد و پایبندی آن‌ها به مذهب حنبلی است و همین امر اهمیت مطالعه و بررسی سیره و تاریخ احمد بن حنبل، به‌عنوان مؤسس این مکتب فقهی را در نظر پژوهشگران دوچندان می‌کند. کلید این تندروی‌ها از قتل سادات شروع شد و آنان هم شروع به تشکیل نیروهای شبه‌نظامی که در افغانستان و پاکستان... اقدام کردند تا در قدرت سهیم شوند. این رشد گروه‌های سنی که چه به صورت وهابی و چه به صورت سلفی و چه به صورت شیعه تندرو، بسیار شدید و سریع بود به طوری که از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵ یعنی؛ بازه‌ی زمانی ۶ ساله کاملاً مشخص است که چقدر گروه‌های افراطی رشد پیدا کرده‌اند. بخشی اندیشه اصلی این احزاب وابسته به اسلام بود، همان اندیشه‌ی «بازگشت به گذشته» و «بازگشت به اسلام» و زنده کردن دوران خلافت که برای مثال در اندیشه‌ی سلفی‌ها، طرفداری از افراطی‌گری توانست در قالب داعش با شعار خلافت اسلامی، ظهور پیدا کند. در مجموع از آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که بنیادگرایی سلفی مسئله‌ای عمده است که با اقدامات خود که بر اساس خوانش بسته، ایدئولوژیک، عمل‌گرا و حداکثری از دین اسلام انجام می‌شود، به اعمال خشونت‌آمیز دست می‌زند که صلح جهانی را تهدید کرده و چشم‌انداز جهان عاری از خشونت را از نظر دور می‌دارد؛ اما آن‌چنان‌که تصور می‌شود، این بنیادگرایی سلفی، تنها ساخته و پرداخته غرب نیست، بلکه ریشه در مسائل درون کشورهای اسلامی نیز دارد، به این سبب تعامل و تقابل میان عوامل داخلی جهان اسلام و عوامل خارجی در غرب است که این پدیده را ایجاد و تقویت کرده و به تداوم آن انجامیده است (عمویی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۴). نکته قابل توجه این است که اولین تهدید این گروه برای خود حکومت‌های سنی است که می‌توان از مهم‌ترین‌شان به داعش و جبهه النصره و سایر گروه‌های وابسته به القاعده، اشاره کرد.

گروه‌ها و اندیشه‌های ناسیونالیستی سکولار^۳

گروه دیگری هم که تقریباً تولدشان با ظهور ترامپ هم‌زمان شده است و در حال شکل‌گیری است و ایالات متحده هم از آن حمایت می‌کند، گروه‌های ناسیونالیستی سکولار در منطقه هستند؛ مثل احزابی که در عراق روی کار آمدند و

¹ "Back to the Past"

² "Return to Islam"

³ Secularism

نیز گروه عبدالفتاح سی‌سی در مصر و یا اندیشه‌های ناسیونالیستی در ایران در سال‌های اخیر و گروه‌های مشابه در سایر مناطق. سکولار در معنی، سیاست احتراز از درگیر ماندن بین دین و دولت، سیاست اجتناب از تبعیض در بین مذاهب‌ها. سیاست تضمین حقوق بشر برای همه شهروندان صرف‌نظر از کیش و عقیده‌های آن‌ها (در صورت مغایرت آن با دستورهای مذهبی برتری حقوق همگانی بشر تحمیل گردد) (شمسیتی، ۱۵۹: ۱۳۸۷). این نوع اندیشه خود دوشاخه دارد که یکی قوم‌گرایی و دیگری وطن‌(ملی)‌گرایی^۱ است که هر دو از طرف غرب حمایت می‌شوند؛ برخی، ملی‌گرایی را با دین‌باوری در تضاد می‌بینند؛ زیرا «مخاطب ملی‌گرایی کل بشریت نیستند بلکه واحدهای ملی هستند و هدف نهایی آن نیز استقرار جامعه جهانی نیست. در مقابل مخاطب اسلام تمام انسان‌ها هستند و اسلام کل بشریت را یک واحد تلقی می‌کند» (نقوی، ۱۳۶۰: ۱۰۰). مورد دوم از این نوع اندیشه‌ها قوم‌گرایی است؛ تعریف قوم و قومیت می‌تواند با واژه اقلیت نیز بیان شود گروهی از شهروندان که از نظر عددی بخش کمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، در حاکمیت شرکت ندارند و دارای ویژگی‌های متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی با سایر جمعیت کشور هستند. اقلیت‌ها می‌توانند تحت ستم سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و فیزیکی اکثریت قرار گیرند و درعین حال می‌توانند مشی‌های هم‌زمان خودداری از برتری‌جویی، خودداری از هرگونه نفی دیگران، نه همانند خواهی و نه جدایی‌خواهی را نسبت به حاکمیت اکثریت و دولت مرکزی در پیش گیرند (ترنبری، ۱۳۷۹: ۱۱). اساس دیدگاه‌های قالبی که درباره «دیگر بودن» وجود دارند بر این است که قوم مداری مانع از شکل‌گیری تنوع هویت جمعی در شبکه روابط بین قومی می‌گردد (یوسفی و اصغر پور ماسوله، ۱۳۸۸: ۱۲۵) در خاورمیانه اقوام بسیاری با ایدئولوژی‌های خاص خود وجود دارند که در صورت عدم شکل‌گیری روابط بین قومی منجر به «دیگری»^۲ دیدن جامعه شده که نهایت می‌تواند منجر به مقابله با سایر اقوام می‌شود و همراه با افراطی‌گری نتایج تلخ خشونت باری به وجود می‌آورد.



شکل شماره ۳: ارتباط ملی‌گرایی، قوم‌گرایی و بازیگران غربی با اندیشه‌های ناسیونالیستی سکولار

منبع: نگارندگان

تعلقات ایدئولوژیک و متعصب افراط‌گرایان، پایدارترین و مؤثرترین منشأ هویتی-رفتاری آن‌ها شناخته می‌شود. اعتقادات درونی در یک نظام فکری ایدئولوژیک به صورت شهودی تحقق می‌یابد و به تمام تردیدها پایان می‌دهد (بشیر، ۱۳۷۰: ۷). در حال حاضر پاتریوتیسم (وطن‌گرایی) بیشتر در حال رشد است و از نظر اندیشمندان غربی و

^۱ nationalism

^۲ Other

به خصوص دولت جدید امریکا (ترامپ) به عنوان پادزهر در مقابل اسلام سیاسی شمرده می شود، برای مثال به گزارش خبرگزاری ایرنا «جایزه اسلام هراسی ۲۰۱۸»^۱ در لندن برای سومین بار به رئیس جمهوری آمریکا به عنوان نماد اسلام هراسی سال اهدا شد، مراسمی که گروه حقوق بشر اسلامی انگلیس در لندن برگزار کرده بود، به همین دلیل در مسائل اعتراضی در کشورهای ایران و عراق و.. بیشتر خط و مش شعارهای ناسیونالیستی از رسانه های غربی بازتاب می شود؛ به طوری که انتخاب ترامپ از این نظر که ملی گرایی افراطی در آمریکا در مقایسه با اروپا از ریشه های تاریخی و ایدئولوژیک به مراتب ضعیف تری برخوردار است، پدیده ای در نوع خود جدید در آمریکا و غرب به حساب می آید و تلاش در جهت رشد وطن گرایی با رویکرد سکولار کاملاً طرح ژئوپلیتیکی و سیاسی دولت های غربی مشهود است. برای مثال حمایت از محمد بن سلمان، عبدا.. فتاح سی سی در مصر برای اصلاحات و تلاش این دو شخص برای دور کردن کشورهایشان از اسلام سیاسی، این خود نشان از حمایت امریکا از این بحث در منطقه است و احتمالاً طرح های دیگری برای گسترده تر کردن این گروه ها و اندیشه ها در رویکرد سکولارشان، به مرحله اجرا در خواهد آورد.

جدول شماره ۵: ژئوپلیتیکی جریانات فکری خاورمیانه

ردیف	توصیف	تحلیل و ارزیابی		
		وزن ژئوپلیتیکی در منطقه	ارتباط با ایران	وزن گفتمان
۱	بنت	۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰
۲	انصار الله یمن	۲۵۰	۴۵۰	۸۰۰
۳	انحراف المسلمین	۲۲۵	۱۶۵	۳۵۰
۴	حزب الله	۳۰۰	۵۰۰	۸۰۰
۵	سلفی گرایی	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰
۶	گروه ها و اندیشه های ناسیونالیستی سکولار	۳۰۰	۲۵۰	۵۵۰

منبع: یافته های پژوهش

نتیجه گیری و دستاورد علمی و پژوهش

یافته های پژوهش نشان می دهد که خاورمیانه دستخوش تغییرات گسترده ای توسط گروه های افراطی بوده است، بخصوص که جهان اسلام در یک صد سال گذشته، دارای یک تکامل فکری استراتژیک برای درک خود و استقلال ملت های خود است، همان طور که مشاهده شد حداقل در نیمه اول قرن بیستم، وضعیت فکری در جهان اسلام نظیر آنچه، مشیل عفلق و جمال عبدالناصر... طرح می کردند نشان دهنده ی خیزش جدی کشورهای جهان اسلام با شکل گیری احزاب متفاوت برای یک خودباوری فکری بوده است که البته در مقابل با توجه به بررسی صورت گرفته، کشورهای غربی و دست نشانده ی استعمار تلاش و سعی داشته اند بر این تکامل فکری و استراتژیک جهان اسلام در خاورمیانه با دو دیدگاه زیر تاثیر بگذارند.

(۱) ایجاد اندیشه های انحرافی؛

(۲) جلوگیری از نتیجه و محصول صحیح اندیشه های فکری.

^۱ Islamophobia Awards 2018



شکل شماره ۴: احزاب و فضاهاى ژئوپلیتیکی آنها منبع: نگارندگان

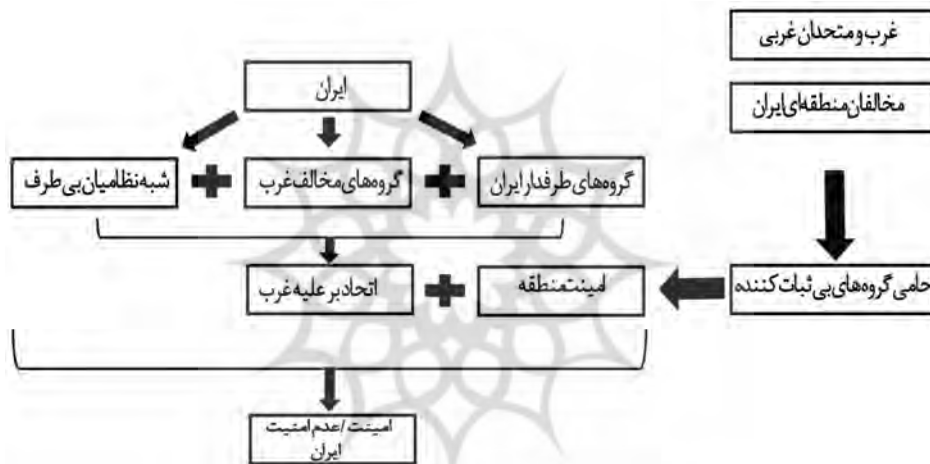
در نوع اول، مشاهده کردیم که با ورود جریانات سلفی گرایى و فراماسونرى در خاورمیانه و انحراف جهان اسلام و هدایت این اندیشه‌ها به سمت الگوبردارى و الگوسازى از اندیشه‌هاى غرب، کارکردهاى این احزاب را تحت تأثیر قرار داده و حتى خود این اندیشه‌ها در مواردى مستقیماً وارد افکار و اندیشه‌هاى احزاب مزبور شده است، برای نمونه مى‌توان به حزب بعث که مخلوطى از افکار نازیسم و سوسیالیسم بوده و همچنین در برخى مواقع جریانات ملی‌گرایی که مى‌توانستند در جهان اسلام مبنای یک استقلال باشند نظیر اقدامات جمال عبدا... ناصر مبتنى بر دیدگاه‌هاى اخوان المسلمین، اشاره کرد. از طرفى در نوع دوم غربى‌ها با فشارهاى مستقیم و غیرمستقیم، اجازه نمى‌دهند این جریانات مسیر درست و صحیح خود را طى و ایدئولوژى پایدار خود را داشته باشند. تأکیدات امام خمینى (ره) بر اینکه جمهورى اسلامى ایران باید به سمت تأثیرگذارى فکرى در مقابل استعمار و استکبار جهانى برود، نشان از توجه ایشان به این مسیر جریات بوده است و حتى مى‌توان بیان کرد که کشورهاى جهان اسلام در ایجاد یک اتحاد فکرى و استراتژیک برای مقابله بانفوذ غرب و شرق، نیازمند اتخاذ یک اندیشه متحد هستند تا از نفوذ و انحراف اندیشه‌ها و احزاب سیاسى افراطى در خاورمیانه جلوگیری کنند.



شکل شماره ۵: نمودار توصیف جریانات فکرى در منطقه خاورمیانه

منبع: یافته‌هاى پژوهش

با توجه به شکل شماره ۴ از پراکنش و مواضع احزاب سیاسی حاکم و اهداف آن‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که عمده‌ی این گروه‌ها هم مسیر با اهداف جمهوری اسلامی ایران هستند و از طرفی با تکیه بر روح جهاد در مقابل رقیبان به مراتب قوی‌تر از خود ایستادگی بیشتری نشان می‌دهند که می‌توان با تشخیص و تثبیت و توسعه افکار این گروه‌ها، به نفع امنیت ملی خود و امنیت منطقه بهره برد. در این شکل ۶ همان‌گونه که مشخص است پایگاه‌های گروه‌های اسلامی هم‌راستا با ایران در کنار گروه‌های مخالف و پایگاه‌های غرب قرار داشته و بسیار به هم نزدیک هستند که در حقیقت ایران می‌تواند با استفاده از این گروه‌ها تا حدی فشار وارده بر خود را کاهش داده و به صورت غیرمستقیم بر غرب فشار وارد کند و همچنین می‌تواند با ایجاد فشار بر مخالفانش یک بازدارندگی ایجاد کرده و از بی‌ثباتی امنیت منطقه و امنیت ملی خود جلوگیری کند. در نهایت حادث‌تر شدن مسائل بی‌ثباتی احزاب به علل عدم کنترل قدرت و قطع حمایت از آن‌ها، باعث بی‌ثباتی و ناامنی ناشی از عملکرد متضاد این گروه‌ها با منافع ملی کشور شده و تأثیر جدی بر امنیت ملی ایران و منطقه خواهد داشت.



شکل شماره ۶: مدل مفهومی، تأثیر و عملکرد مولفه‌های منطقه‌ای در امنیت

منبع: یافته‌های پژوهش

منابع

- اسداللهی، مسعود. (۱۳۷۹). از مقاومت تا پیروزی تاریخچه حزب الله لبنان، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور.
- امامی خویی، محمد تقی. (۱۳۹۶). تاریخ امپراتوری عثمانی. ناشر: سمت. چاپ سوم، صص ۲۶۳.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۶). دانشنامه‌ی سیاسی، تهران، مروارید.
- اطاعت، جواد. نصرتی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۳، زمستان و بهار ۸۸-۱۳۸۷، صفحات ۲۲-۱.
- آقایی، بهمن و خسرو صفوی (۱۳۹۰). اخوان المسلمین، تهران، انتشارات رسام.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۲). صحیفه نور، ج ۵، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- بشیر، ژان (۱۳۷۰). ایدئولوژی چیست؟ ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، تهران، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- بی‌نا. (۱۳۷۹). دائرةالمعارف‌های جهان، معاونت پژوهشی و آموزشی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.

- ترنبری، پاتریک. (۱۳۷۹). حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، مترجم: آریتا شمشادی و علی‌اکبر آقایی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۱۱ و ۱۲؛ خوب‌روی پاک، محمدرضا (۱۳۸۰). اقلیت‌ها، تهران: شیرازه، ص ۱۰۱ و ۱۳۶.
- پژوهش‌های انقلاب اسلامی: پاییز ۱۳۹۴، دوره ۴ شماره ۱۴؛ از صفحه ۲۰۷ تا صفحه ۲۲۹. عنوان مقاله: نظریه سازه‌نگاری و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصار اله و انقلاب یمن
- پیشگاهی فرد، زهرا. (۱۳۸۶)؛ فرهنگ جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات انتخاب
- تبیین وضعیت سیاست خارجی ایران و نقش وزیران امور خارجه (۱۳۳۶-۱۳۳۹ ش. / ۱۳۵۷-۱۹۶۰ م). مرتضی دهقان نژاد؛ علی جعفری؛ مرضیه یحیی‌آبادی - تحقیقات تاریخ فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و یکم، دفتر چهارم، زمستان ۱۳۹۰، ۵۹-۲۶
- تول، فرانسوا (۱۳۸۲). ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتیون باصر، تهران، ویستار.
- حسن شمسیتی غیاث‌وند، (۱۳۸۷). عنوان نشریه: مطالعات سیاسی، دوره ۲، شماره ۱، شماره ۱۵۵ تا ۱۸۳. عنوان مقاله: درآمدی بر معنای سکولاریسم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان.
- حسن علی یاری (۱۳۹۴). نقش کشورهای غربی در چگونگی شکل‌گیری اندیشه سلفی. منبع: مطالعات بیداری اسلامی سال چهارم بهار و تابستان، شماره ۷
- دائرةالمعارف‌های جهان (۱۳۷۹). نشر: بی‌نا، معاونت پژوهشی و آموزشی، سازمان فرهنگ و ارتباطات.
- دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۸۳)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- سعیدی، ابراهیم. (۱۳۷۶). سوریه، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- دکمیجان، هرایر. (۱۳۹۰). جنبش‌های اسلامی معاصر؛ ترجمه حمید احمدی؛ تهران: کیهان.
- سلطانی فرد، محمدحسین. (۱۳۸۶). ریشه‌ها و تاریخچه اصولگرایی در مصر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- فضل الله، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۳). الخيار الاخر، ص ۳۵.
- عبدالرضا عزیززاده، محمدهادی کاویانی، (۱۳۹۱). حق امنیت فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۴۱(۴)، ۲۵۷. 984553p/com.magiran
- علی الهی تبار و محسن الویری (۱۳۹۵). عنوان نشریه: مطالعات تاریخی جهان اسلام: پاییز و زمستان ۱۳۹۵، دوره ۴ از صفحه ۳۳ تا ۵۰. عنوان مقاله: تحلیل ناکامی و بحران ساری ملی‌گرایی عربی و بازت‌آب‌های کنونی آن در جهان اسلام.
- علی ادمی و عبدالله مرادی (۱۳۹۴). «چیستی افراط‌گرایی در اسلام سیاسی: ریشه‌های هویتی و کنش‌هنجاری» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۳، پاییز ۹۴، ص ۲۹-۵۹.
- عمویی، حامد. حسین‌خانی، الهام. عنوان نشریه: اندیشه سیاسی در اسلام: زمستان ۱۳۹۵، دوره ۳، شماره ۱۰ از صفحه ۷۵ تا صفحه ۱۰۷. عنوان مقاله: عوامل مؤثر بر شکل‌گیری افراط‌گرایی سلفی در جهان اسلام.
- عنایت، حمید (۱۳۸۰). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۹۸.
- ماتیل، الکساندر، دایره‌المعارف ناسیونالیسم، ترجمه کامران فانی، نورالله مرادی، تهران، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، زمستان ۱۳۸۳.
- ماندل، رابرت. (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محرابی، علیرضا؛ ژئوپلیتیک و تحول اندیشه حکومت ایران؛ تهران: نشر انتخاب، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- محمدی، حمیدرضا و خالدی، حسین. (۱۳۸۹). چالش‌ها و فرصت‌های مدل نیروی انتظامی از منظر جغرافیای سیاسی، کتاب همایش ملی دانش و امنیت، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۸۳)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- موتقی، سید احمد (۱۳۸۹). جنبش‌های اسلامی معاصر، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.

موسوی، سید محمد. باقری فر، محسن. (۱۳۹۴). نظریه سازه‌انگاری و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصارالله و انقلاب یمن. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۴(۱۴)، ۲۰۷-۲۲۹.

نقوی، علی محمد (۱۳۶۹). اسلام ملی‌گرایی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم.

هاتر، شیرین (۱۳۸۰). آینده اسلام و غرب، ترجمه: همایون مجد، تهران: مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها.

واعظی، سید محمود (۱۳۹۱). بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه؛ نظریه‌ها و روندها، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

یوسفی، علی و اصغر پور ماسوله، احمدرضا (۱۳۸۸). قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین‌قومی در ایران، دانشنامه علوم اجتماعی، ۴.

یدالله دهقان، محمود کتابی، مسعود جعفری نژاد، (۱۳۹۶). بررسی نقش جنبش اخوان المسلمین در بحران سوریه، مجله جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۵(۱۰)، ۱۲۷-۱۵۸. <http://www.magiran.com/1817875p>.

A Discourse on Domination in Mandate Palestine, Zeina B. Ghandour - 2009, p. 140.

Agnew, J. (2004). Geopolitics: Re-visioning world politics. Routledge.

Baron, Adam (30 October 2012). "Yemenis suspect Iran's hand in rise of Shiite rebels". Christian Science Monitor. Retrieved 20 June 2014.

Deaths in Yemeni mosque blast. Al الجزیره. May 2, 2008.

Laqueur, W. Z. (1958). Communism and nationalism in the Middle East. 181-190.

Mapping the Global Muslim Population: A Report on the Size and Distribution of the World's Muslim Population. Pew Research Center. October 7, 2009. Retrieved 2011-01-28.

Mc Donald .Neil (1963). The Study of Political Parties. New York.

merriam-webster

Mileski, Tony (2015) (in Macedonian). Political geography and geopolitics. Skopje: Faculty of Philosophy. p. 14-28.

Niva, S. (1999). Contested sovereignties and postcolonial insecurities in the Middle East. Cultures of Insecurity: States, Communities, and the Production of Danger, 14.

Shahin“ ,Salafīyah”, Oxford.

Zięba, R. (2008). Bezpieczeństwo międzynarodowe po zimnej wojnie. Wydawnictwa Akademickie i Profesjonalne. P17

http://www.pasdareeslam.ir/article_57052.html

<http://www.worldvaluessurvey.org>

<https://www.mehrnews.com/news/4157487/>

<https://www.otaghkhabar24.com/news/53281>

<https://www.radiofarda.com/a/f8-shia-militia-in-iraq-and-syria/27071518.html>